

مزامحت يك شغل خطر آفرين در حريم امن حرم امام رضا (ع)

ترس؛ سوغات چاقو فروش ها برای زائران



عکس تزیینی است

● گشت های طبری و نوغان بیشتر شدند

معاون خدمات شهری منطقه ثامن به نکته دیگری نیز اشاره می کند که به جمع تخلفات افراد چاقو فروش اضافه می شود؛ چاقو فروش ها وانگشتر فروش ها افزون بر سدمعبر، جنس تقلبی نیز به دست زائران حضرت رضا (ع) می دهند که این نیز تخلف محسوب می شود.

مراد بیان از همکاری خوب نیروهای انتظامی مستقر در منطقه و کلانتری هانیز تشکر می کند و می گوید: افرادی که توسط نیروهای سدمعبر جمع آوری می شوند، پس از تحویل به نیروهای انتظامی به دادسرا معرفی می شوند.

مراد بیان ضمن درخواست همکاری مردم برای اطلاع دادن از حضور چاقو فروش ها ادامه می دهد: همکاران ماشبانه روز در منطقه حضور دارند و تعداد گشتی هادر محدوده نوغان و طبری با توجه به درخواست های مردمی بیشتر شده است.

به دست زائران می دهند اصلا کیفیت ندارد؛ ولی آن را با قیمت یک چاقوی خوب به آن ها می دهند.

● ضط و جمع آوری ۱۰۰۰ چاقو

معاون خدمات شهری شهرداری منطقه ثامن ابتدا به قانون سدمعبر در شهرداری ها اشاره و حضور دست فروش ها و باسطی هادر اطراف حرم امصادق تخلف معرفی می کند. عباس مراد بیان مقدم ادامه می دهد: مادر منطقه ثامن ۷۲ نیرو در حوزه سدمعبر داریم که شبانه روزی در حال فعالیت هستند و بافت پیرامون حرم را پوشش می دهند.

او با اشاره به اینکه منطقه ثامن با توجه به حضور زائر بستر مناسبی برای مشاغل کاذب است، آماری نیز در این باره ارائه می کند: در منطقه ثامن، در ۶ ماه گذشته ۱۹۸۷ دست فروش تحویل مراجع قضایی شده اند که از این میان ۳۶۸ نفر چاقو فروش بوده اند و ۹۳۱ عدد چاقو ضبط شده است.

نمی کند. شاید هم امنیت را از این خانواده در تاریکی شب هست که چاقو فروش ها آمدن و اینجا دارن چاقو می فروشن! این پیام را که یکی از کسبه خیابان طبری برای ما ارسال کرده، حاوی معضلی است که سال ها گریبان منطقه ثامن را گرفته است و انگار به همین راحتی قرار نیست آن را رها کند. در محدوده اطراف حرم مطهر بیشترین تردد زائران اتفاق می افتد. کسانی که از شهر و دیار خودشان دور شده اند و به دنبال خرید سوغاتی در شهر مقصد هستند، می توانند بهترین طعمه برای سودجویان و دست فروشانی باشند که به این منطقه هجوم می آورند. چاقو فروش ها نیز گروهی هستند که برخلاف دیگران خیلی هم بی درد سربه نظر نمی رسند! این گزارش معضل چاقو فروشان اطراف حرم را برررسی می کند و به دنبال پاسخی برای آن می گردد.

● چاقو فروشی و چند معضل!

شب از نیمه گذشته است که خانواده ای قصد زیارت می کنند. باید از کوچه پس کوچه های طبری بگذرند تا خودشان را به صحن و سرای حضرت برسانند. یک مرد، یک زن و دو کودک راهی حرم هستند که یک پسر با ظاهری خاص جلوییشان ظاهر می شود. در دستش چند چاقو است که می خواهد با هر ترفندی آن ها را به این زائران بفروشد. چاقو فروش، زائران بیچاره را رها

روایتی از گذشته خیابان خسروی نو و مسجد معروف آن به نام ملا حیدر

خانه ای که مسجد شد



● ماجرای سنگ قبر مسجد

در طبقه زیرین مسجد سنگ قبری وجود دارد که مشخصات متوفی روی آن به نام «مرحوم اتحادیه، حک شده است. اونسبتی با ملا حیدر نداشت و آن طور که شنیده ام، خانه ای را دیوار به دیوار مسجد خرید. وصیت کرد پس از مرگش این خانه وقف مسجد شود و پیکرش را در این محل دفن کنند، اما آن زمان امکانات امروزی نبود. از این رو وقتی فوت کرد، با توجه به بعد مسافت از تبریز تا مشهد، خانواده اش او را همان جا به خاک سپردند و سنگ قبری که برای خودش آماده کرده بود، در این مسجد گذاشته شد که امروز از او به یادگار در مسجد است.

هم به بچه های محل که به درس و بحث علاقه داشتند، آموزش های مکتبی داده می شد. حدود یک قرن پیش فردی بود که عبا و عمامه می گذاشت، امار و حانی نبود. نامش ملا حیدر بود. ملا حیدر از دید ساکنان محدوده خسروی نو، رئیس مکتب خانه بود. کسوتش سواد آموزی و آموزش قرآن بود. اهالی محله که همت ملا حیدر را برای آگاه سازی بچه هایشان دیده بودند، تصمیم گرفتند از او قدر دانی کنند. شاید بهترین انتخاب، جاودانه کردن نامش بود. محلی که او در آنجا تدریس می کرد، خانه کوچکی بود که وقف مسجد بود. با حضور مداوم او این مسجد که قدمتش به بیش از دو دهه است سال پیش باز می گشت، «ملا حیدر» نام گرفت.

دنیا آمد. خانه مادر همسایگی خانه پدر رهبر معظم انقلاب بود. بیست سالگی را پشت سر گذاشته بودم که شش سال با رهبر معظم انقلاب و برادرشان در دارالتعلیم دیانتی هم کلاس بودیم. در همان دوران جوانی کار را هم در کوچه های نزدیک خانه از خیابان خسروی نوشروع کردم. آن زمان خانه قدیمی و بسیار کوچکی در محله بود که همه آن را به نام مسجد ملا حیدر می شناختیم. وقتی شهرداری برای خیابان کشی خسروی نو دست به کار شد، حمام بزرگ جلو مسجد که «سالار بهادر» نام داشت، تخریب شد. به دنبال این بخشی از فضای مسجد در اثر این تغییر و تحول جزوی از خیابان شد و از دست رفت. همین ماجرا موجب شد فردی تهرانی الاصل بیاید و حیاط پشت مسجد را بخرد و وقف آن کند. این گونه شد که بار دیگر مساحتی به صحن مسجد اضافه شد. آن زمان با کمک تجار و زائرانی که از اصفهان و تهران به مشهد الرضا (ع) می آمدند و مسیر تشریفشان به حرم مطهر از این مسیر محدود بود، مسجد را این طور که می بینید، ساختیم.

زمان قدیم از مدرسه و درس آموزی به شیوه امروزی خبری نبود. سر هر محله ای مسجدی بنامی کردند که در آن هم نماز می خواندند و

سعی در ساجدی نیا اینجا پر از خانه باغ بود. خانواده هایی که می خواستند نزدیک ترین فاصله را از خانه تا حرم حضرت رضا (ع) داشته باشند، این نقطه را انتخاب می کردند. رفت و آمدها هم با درشکه انجام می شد.

فقط یک بازار در خسروی نو وجود داشت؛ نامش بازار «بزرگ» بود که آخرش به صحن حرم می رسید. بازار بزرگ در واقع امتداد بازار پارچه فروش ها به بازار سرشور کنونی بود. بعدها که خیابان کشی شد، بازار سرشور از دل بازار بزرگ بیرون آمد و تفکیک شد.

این جملات روایت مردی است که در کوچه های سرشور و خیابان خسروی نو کودکی کرده و در بزرگسالی هم کاسبی را در همین محدوده تجربه کرده است؛ کسی که بیش از شصت سال در مسجد ملا حیدر از هیچ خدمتی دریغ نکرده است. حاج علی امینیان، متولد ۱۳۱۴ در مشهد و از اعضای هیئت مدیره وستون اصلی این مسجد در گزارش پیش رو، از این خیابان و تنها مسجدش می گوید که به نام ملا حیدر تابلو خورده است.

● ملا حیدر چه کسی بود؟

در محله ای که پس از نوغان و سراب، قدیمی ترین محله مشهد است و سرشور می خوانندش به